هفت هنر

مسوولان و حرف‌های دوگانه
«گشت ارشاد» و فیلم ارزشی

■ این روزها مسایل سینمای ایران بر یک دور تکرار می‌چرخد. گشت ارشاد از اکران برداشته شد ولی به شبکه نمایش خانگی آمد، مساله معرفی فیلم به اسکار در بین حاشیه‌ها فراموش شده و ماجرای فیلم ارزشی از سوی حوزه هنری الان شکل دیگری به خود گرفته است. در این روزها فیلم مورد غضب اکران نوروزی – گشت ارشاد - که سبب شد تمام مسایل و روال سینمای ایران به هم بریزد توانسته بدون سانسور و البته در سکوت خبری به گفته مسوولان و سانسورشده از سوی کارگردان فیلم وارد شبکه نمایش خانگی شود و بحث ورود حاشیه‌ای بزرگ‌تر را پدید آورده است. هیچ‌کس مسوولیت قبول نمی‌کند چون در زمان جابه‌جایی مدیران اتفاق افتاده است. حالا مسوولان به شکل دیگری وارد عمل شده‌اند که این فیلم را که به خانه‌ها راه یافته است جمع‌آوری کنند. دبیر ستاد حمایت و صیانت از محصولات فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرده است: «تا پایان امروز ـ یکشنبه ۱۹ شهریور ـ تمامی پوسترها و کالاهای «گشت ارشاد» از مراکز توزیع در شهر تهران جمع‌آوری می‌شود.»جابری‌انصاری گفته است: «پس از بازبینی نسخه منتشرشده از «گشت ارشاد» مشاهده شد تخلفاتی در تهیه بسته نهایی آن فیلم در ضمایم و محتوای اثر وجود دارد که منجر به تصمیم‌گیری درخصوص جمع‌آوری نسخه‌های توزیع‌شده در تهران و شهرستان‌ها شد. براساس اقدامات ستاد، علاوه بر نسخه‌های توزیع‌شده که در تهران جمع‌آوری می‌شود با همکاری شرکت توزیع‌کننده این اثر، همه نسخه‌های عرضه‌شده در شهرستان‌ها نیز در اسرع وقت جمع‌آوری خواهد شد.»در همین خصوص «حمیدرضا نوروزی» رییس اتحادیه ویدیو رسانه نیز به «ایسنا» گفت: «گشت ارشاد» پروانه نمایش از معاونت آثار اخذ کرده است و عرضه و توزیع آن براساس ضوابط وزارت ارشاد انجام شده است اما خبری شنیدم اینکه متاسفانه طرح روی جلد و پشت صحنه آن بدون اخذ مجوز از سازمان سینمایی تولید و عرضه شده است که اتحادیه ضمن محکوم کردن این اتفاق، علت این موضوع را نوظهور بودن موسسه ناشر می‌داند که امیدواریم بعد از این شاهد چنین اتفاقاتی نباشیم.

ادامه از صفحه ۱۱

فریاد؛ و البتگی‌اش در به جایی نرسیدن

بازسازی ریز و پرمایه آیین‌های سوگواری زنانه در ایران (در لرستان، کردستان و هر کجای این کشور که زنی بر گور مردش زاریده) بر این کارکرد می‌افزاید. از شیوه شیون و مویبدن تا کشیدن جیغ‌های ممتد، تا فریاد، که مگر به جایی برسد. صادقی در این اثر تاکید ویژه‌ای بر تولید صوت دارد. اینجا صدا مهم است. التهاب و امپرسیون لحظه‌ها را با صدا کوک می‌کند. کم و زیاد می‌کند. کوبش چوب دست و پاها بر کف و تولید دیگر اصوات، که پیشتر گفتم، به اثر لحنی باستانی می‌بخشد و ترکیب آن در فضای سرد و معاصر صحنه، توامان آن را تایید و نقض می‌کند. این ترکیب چنان جانانه است که یک‌دم قضاوت قطعی را بر تو آسان نمی‌کند. فضای هندسی صحنه، مربع است و در این فضای مربع، صادقی در بازخوانی خود یک فضای جغرافیایی دیگر نیز مطرح می‌کند. او به تلویح تروای شکست‌خورده و ویران را آسیا، یعنی شرق و یونان را غرب می‌داند. از یک بستر تاریخی به تقابل جغرافیایی می‌رسد و کشمکش این دو حوزه برای کسب قدرت. از زبان هکاب، این ملکه مغموم، این برده امروز، در جدال با یونانی‌ها این حرف، پر شنیده می‌شود. صادقی شکست تروا را مغتنم می‌شمرد تا استعاره خودش درباره چاپیدن و چاپیده شدن را در اجرا جاری کند. خیلی راغب نیستم از واژه استعمار استفاده کنم. ولی اشاره به همان تسلط تاریخی غرب است بر جهان بی‌جهاز شرق، گو اینکه خدایان در ابتدای نمایش نوید گرفتن انتقام از یونانیان یاغی را می‌دهند. (در اجرا نیست- ولی بگذار آگاممنون بازگردد، کلمنتسرا در انتظار اوست!) اجرا سویه دیگری هم دارد وآن ادیپ روشن‌دل است که عصاکوبان، اول و آخر اجرا بر خیل مردگان - که نقش زمین‌اند، که همان همسرایان‌اند- می‌گذرد. تقدیری که عبور می‌کند و سرنوشتی که دست ما نیست و تعیینی که ما نمی‌کنیم. این اتهام بی‌اعتنایی به تقدیر، پیکانی است که از زبان آندروماخه به سمت هکاب پرتاب می‌شود. بر این بداقبالی او مقصر شمرده می‌شود و اوست که باید تاوان تمام آنچه می‌رود را پس بدهد. هکاب باید صلیب همه را به دوش بکشد. (و چه جالب که در اساطیر باستان و در تمام حوزه‌های تمدنی، تقدیر علی‌الاطلاق به قهرمان - قربانی گوشزد شده است و او حتی اگر ضحاک باشد و درصدد دفع آن برآید، عاجز می‌شود. این چیزی است که سارتر برنمی‌تابد و با اندیشه «انسان آزاد»ش نمی‌خواند و در نمایشنامه «مگس‌ها» هم که باز، بازنویسی از سه‌گانه «اورستوس» آشیل است، به آن طعنه می‌زند.) هکاب، برده اول ماجراست. به چشم، ویرانی را می‌بیند و به این ویرانی باور ندارد. در تمام نمایش، هکاب درد دارد. همه درد دارند. کاساندرا، آندروماخه و تمام زنان. این درد در بازی‌های درشت، پرتاب و پاشیدن واژه‌ها به بیرون، ادغام ضجه در کلمات و کشیدن آهنگین مصوت‌ها و در یک کلام در بازی‌های اکسپرسیونیستی نمود پیدا می‌کند. غرض از این همه این است که نمایش این همه درد، صرف نشان دادن رنجی که زن برده و می‌برد، نیست. سنگینی سایه تقدیر و اینکه کاری‌اش نمی‌شود کرد و حضور خدایان در آغاز ماجرا، باوری ازلی است که نسبت ما را با جهان و تصادفاتش مشخص می‌کند. مرگ هکتور تقدیر است. مرگ آشیل هم و مرگ تروا. زنان وارثان این ویرانی‌اند. تقدیر؛ زیستن همیشه زنان است برای تحمل ازدست‌رفتگی چیزها. هیچ مردی آن‌جور که زنان، درد را تحمل نکرده است. گفتم که هلن بهانه است. بهانه یورش و نابودی - افرودیت کار خودش را می‌کند- و سرانجام شد آنچه شد. هلن و هکاب در دو سوی مقابل‌اند. اغوای هلن بر لابه هکاب چیره می‌شود. منلائوس وقعی به او نمی‌نهد. هلن چون صفیر مرگ بر تروا می‌گذرد. مبتذل‌ترین چیز در برابر تقدیر لابه است و از کژی یخت تنها سلاح نیز هم.

مصطفی ایزدی

خاطره‌ای از آقای «بهمن دری»

در خبرها آمده بود که معاون فرهنگی وزیر ارشاد از کار برکنار شده است. این اقدام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خوب و به‌موقع بود. در زمان مسوولیت فرد معزول، وضع کتاب و نشر، پریشان‌تر از هر زمان دیگر خود را نشان داد. ناشران مستقل، گرفتاری‌های زیادی داشته و دارند. بد نیست خاطره‌ای را بنویسم تا حسن کار وزیر ارشاد از نظر بنده روشن شود. البته دلایل برکناری آقای بهمن دری اعلام نشده و شاید به موضوع کتاب و نشر ارتباطی نداشته باشد اما نتیجه این تصمیم مثبت است.

خاطره: سال گذشته کتابی را با موضوع «خطبه حضرت فاطمه زهرا (س) و ماجرای فدک» برای اجازه انتشار چاپ هفتم که چهار نوبت آن در زمان وزارت آقای صفارهرندی، یعنی در دولت آقای احمدی‌نژاد انجام شده بود، تحویل مدیرکل امور کتاب و کتابخوانی داده بودم. این کتاب نیاز به نظر کارشناسی نداشت و فقط نیاز به تصمیم مدیریت داشت. پیش از آن با تعیین وقت قبلی که چند ماه طول کشیده بود، نزد آقای بهمن دری رفتم و از وی پرسیدم که چنین کتاب‌هایی را اجازه نشر می‌دهید یا نه؟ او گفت ما طبق قانون عمل می‌کنیم و چاپ این‌گونه کتاب‌ها منع قانونی ندارد. حرف درستی بود که در ملاقات حضوری به من زد. من هم چند روز بعد کتاب را با یک یادداشت به مدیرکل مربوطه دادم. او نیز کتاب و دستخط مرا برای اعلام نظر پیش معاون فرهنگی وزیر آقای دری فرستاد. چندین ماه طول کشید و کتاب همچنان روی میز معاون وزیر قرار داشت و بنده نیز به طور مرتب پیگیری می‌کردم.

نوروز فرا رسید و من به بهانه عیددیدنی، به دیدار آقای دری رفتم و سراغ کتاب را گرفتم. پاسخ داد که برگرداندم نزد مدیرکل و از او پیگیری کنید. همان ایام نوروز از دفتر مدیرکل درخواست وقت کردم که به دیدارش بروم و ضمن عرض تبریک عید نوروز، مجوز نشر کتاب «خطبه حضرت فاطمه زهرا (س) و ماجرای فدک» را دریافت کنم.

حدود چهار ماه به طول انجامید. پس از کلی پیگیری شفاهی و درخواست کتبی و تکمیل کردن فرم ملاقات، بالاخره در تیرماه موفق شدم برای عرض تبریک عید نوروز! و روشن شدن وضع کتاب، چند دقیقه آقای مدیرکل امور کتاب و کتابخوانی را که از منصوبین آقای دری است، ببینم. از وی سراغ مجوز کتاب را گرفتم. گفت برای بررسی به قم فرستاده‌ایم. همان جا از مسوول مربوطه در واحد امور کتاب خواست که مجددا نامه بزند و پیگیری کند. بعد در جریان پیگیری‌هایم معلوم شد که به قم نفرستاده‌اند و در یکی از اتاق‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تهران است تا در موردش تصمیم‌گیری شود.

اکنون که آقای بهمن دری از کار برکنار شده است، هنوز مجوز چاپ و توزیع چاپ هفتم کتاب که کوچک‌ترین تغییری با شش چاپ قبلی آن ندارد، صادر نشده است. شاید برای بعضی‌ها این پرسش پیش آید که چرا چاپ هفتم کتاب، نیازمند اجازه چاپ است. مگر همان کارت مجوز اول، برای ۲۰ نوبت چاپ اعتبار ندارد؟ پاسخ این است که برای هر بار چاپ، باید برگ خروج کتاب‌ها از چاپخانه را وزارت ارشاد صادر کند که به برگه اعلام وصول مشهور است. چون هر وزیر و معاون وزیر جدیدی سیاست‌های خودش را اعمال می‌کند این نگرانی وجود داشت که به کتاب چاپ‌شده با مجوزهای سابق، برگه اعلام وصول ندهند. آنگاه ناشر از این وضعی که دارد، بدبخت‌تر می‌شود، چرا که مختصر سرمایه‌اش نیز در چاپخانه در قالب کتاب فاقد برگه اعلام وصول می‌ماند و چاپخانه‌دار هم مرتب فشار می‌آورد که ما جا نداریم، بیایید کتاب‌تان را ببرید.

این دغدغه ناشران را وامی‌دارد که از صدور برگه اعلام وصول توسط وزارت ارشاد پس از اخذ مجوز نشر مطمئن شوند، بعد اقدام به چاپ کنند. امیدوارم معاون فرهنگی جدید وزیر ارشاد، با برنامه‌ریزی درست به این وضع پایان دهد.

همه آنچه باید درباره معاون جدید اداره کتاب بدانیم
محمد اللهیاری: ماندن یا رفتنم بستگی به تصمیم «اسماعیلی» دارد

امیلی امرایی: خبر برکناری «بهمن دری اخوی» چهارشنبه‌شب آمد. اعلام خبرهای پرحاشیه وزارت ارشاد در آخرین ساعت‌های اداری منتهی به روزهای تعطیل یکی از سیاست‌های اصلی این وزارتخانه در چند ماه اخیر بود؛ سیاستی که «بهمن دری» در تبیین آن نقش موثری داشت و حالا خبر رفتن او هم درست به همان سیاق منتشر شد. با این حال فضای وب‌سایت‌ها و شبکه‌های مجازی این آخر هفته پر بود از بازتاب‌های این برکناری، اظهار امیدواری از باز شدن درهای گفت‌وگو، یعنی همه آنچه در دوره ریاست بهمن دری به حداقل رسیده بود. «علی اسماعیلی» حالا جانشین معاون فرهنگی پیشین شده است و در پی این تغییر احتمالا جابه‌جایی‌ها و رفتن‌های دیگری هم در کار خواهد بود. یکی از اولین گزینه‌هایی که در راهروهای وزارت ارشاد درباره رفتنش بعد از بهمن دری شایعاتی مطرح است، «محمد اللهیاری» رییس اداره کتاب است. هر چند اللهیاری همچون بهمن دری شایعه رفتنش را تکذیب می‌کند. اللهیاری در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» درباره ماندن یا رفتنش می‌گوید: « فکر می‌کنم وقت مناسبی برای مطرح کردن این بحث نباشد. خود ایشان به هر ارزیابی و تصمیمی که برسند همان را عملی می‌کنند. من فعلا نمی‌توانم درباره این مساله اظهارنظری کنم.»در واقع در طول دوره‌ای که بهمن دری به عنوان معاون فرهنگی وزیر ارشاد اسلامی حضور داشت خبرسازترین اداره تحت‌نظارتش اداره کتاب بود؛ اداره‌ای که سختگیری‌هایش در یکی، دو سال اخیر برای ناشران و نویسندگان یادآور روزگار حضور «مصطفی میرسلیم» بود. اللهیاری به عنوان مجری سیاست‌های این اداره می‌گوید: «روز پنجشنبه در خدمت آقای علی اسماعیلی بودیم و به اصطلاح جلسه داشتیم. البته قرار است وی به‌زودی با هر کدام از مسوولان اداره‌ها جلسه داشته باشد.»علی اسماعیلی یکی از همان چهره‌هایی است که با آمدن «سید محمد حسینی»، وزیر ارشاد به وزارتخانه آمد. مدت‌ها مدیر کل اداره حراست وزارتخانه بود؛ سمتی کلیدی که سبب شد کارمندان وزارتخانه با فاصله خاصی نسبت به او رفت وآمد کنند و کمترین اطلاعاتی درباره گذشته او و سمت‌های پیشینش نداشته باشند. کارمندان اداره می‌گویند او دکترا دارد، اما چندان اطلاعی درباره رشته تحصیلی او ندارند. علی اسماعیلی کمی بعد به سمت مدیرکل حوزه وزارتی منتقل شد و در اتاقی به همسایگی وزیر نشست. در واقع در چند ماه اخیر تمام تصمیم‌گیری‌ها و نامه‌هایی که از دفتر وزیر منتشر می‌شد همگی از کانال او بود. حالا او به دفتر معاون فرهنگی آمده است؛ کمی دورتر از اتاق وزیر. از اردیبهشت ماه امسال خبر تمایل به برکناری بهمن دری از سوی وزیر در میان خبرها آمده بود اما بهمن دری این خبر را در گفت‌وگو با فارس تکذیب کرده بود و حالا بعد از گذشت پنج ماه این خواست وزیر عملی شد. این بار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در یکی از کلیدی‌ترین معاونت‌هایش یکی از دوستان و چهره‌های نزدیک به خود را منصوب کرده است. «سیدمومنی»، رییس دفتر معاون فرهنگی جدید می‌گوید: «آقای اسماعیلی دفتر را تحویل گرفته‌اند و از روز دوشنبه مراجعان و ناشران می‌توانند با درخواست کتبی تقاضای ملاقات با ایشان را داشته باشند.»علی اسماعیلی، سرپرست معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد پنجشنبه در اولین دیدارش بر یک نکته تاکید کرد: «ادامه راه برادرم بهمن دری». او در این دیدار ضمن تاکید بر تسهیل فرآیند پاسخگویی به مکاتبات از همدلی در پیشبرد برنامه‌های پیش‌روی این مجموعه صحبت کرد. او ضمن تشکر از معاون فرهنگی سابق وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «قطعا اقدامات ارزنده‌ای در دوران خدمت برادر عزیزم بهمن دری صورت گرفته که باید استمرار یابد و این امر محقق نخواهد شد مگر با همدلی و وفاق.»این در حالی است که ناشران و اهل فرهنگ امیدوار هستند معاون فرهنگی جدید رویکردی متفاوت و دوستانه‌تر را در پیش بگیرد و از استمرار سیاست‌های «بهمن دری» بکاهد؛ علی اسماعیلی در دوره حضورش به عنوان مدیر کل حوزه وزارتی سخنرانی‌هایی داشت. در یکی از این سخنرانی‌هایش در خرداد ۹۱ که به عنوان کارشناس تبلیغات سخن می‌گفت، اظهار کرد: «در ایتالیا هیچ‌کس انگلیسی صحبت نمی‌کند، آنها اصالت‌شان را حفظ می‌کنند و معتقدند همه باید ایتالیایی یاد بگیرند و حرف بزنند، ما واقعا چقدر در مجوزهایی که می‌دهیم، در پروانه‌هایی که صادر می‌کنیم، به این نکته‌ها دقت می‌کنیم؟»«امیر حسین زادگان»، مدیر انتشارات ققنوس درباره این جابه جایی به «شرق» می‌گوید: «صنعت نشر و فرهنگ این روزها در بدترین شرایط موجود به سر می‌برد. ناشران هر قدر هم تلاش کنند که قیمت کتاب را افزایش ندهند و از سودشان بکاهند، باز هم قیمت کتاب به دلیل بالا رفتن سرسام‌آور قیمت کاغذ حداقل ۲۵ تا ۳۰درصد افزایش پیدا کرده است.تیرماه ۸۹ با عزل «محسن پرویز»، بهمن دری به سمت معاون فرهنگی منصوب شد. او اول مرداد ۸۹ درست یک ماه بعد از انتصابش خبری را اعلام کرد که بعدها هرگز دنبالش را نگرفت. صبح روز جمعه اول مرداد در حالی که تمام دایره‌های معاونت فرهنگی تعطیل بودند، خبری به نقل از معاون فرهنگی وزیر ارشاد روی خبرگزاری‌های دولتی آمد. افزون بر همه اینها بهمن دری یکی از معاون‌هایی بود که آمار و ارقام بسیاری را در زمینه پیشرفت فعالیت‌های فرهنگی در دوره ریاستش منتشر می‌کرد. او در ۱۵ شهریور سال گذشته گفت: «دولت نهم و دهم رکورددار فعالیت‌های فرهنگی هستند. از سال ۵۸ تاکنون، در مجموع ۶۸۰هزار عنوان کتاب در کشور منتشر شده که ۵۱درصد آن در دولت نهم و دهم انتشار یافته است.» با این حال آمارهای اینچنینی با آنچه در بطن بازار کتاب و عرصه فرهنگ می‌گذشت، سخت متفاوت بود. دری دقایقی پس از اعلام خبر برکناری‌اش از معاونت فرهنگی ارشاد گفت: با صحبتی که با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام دادیم، گفتند معاونت نیازمند تحول است و لازم است مجموعه با نیروی جدید کارش را آغاز کند.»دری که در دوران مدیریتش در ارشاد تماس‌های تلفنی را جواب نمی‌داد، بعد از برکناری برای اولین بار با رسانه‌ای به جز فارس صحبت کرد و در پاسخ به این پرسش که گفته بود قصد ترک معاونت ارشاد را ندارد، گفت: « الان هم می‌گویم من اهل استعفا نیستم.»

فروش آثار وارهول

بنیاد هنرهای تجسمی «آندی وارهول» در نیویورک برای تامین هزینه‌هایش مجموعه‌ای از آثار این هنرمند بزرگ را از طریق حراجی «کریستی» به معرض فروش می‌گذارد. بنیاد «آندی وارهول» اعلام کرد، پولی که از حراج این کارها به دست می‌آید، صرف حمایت از آثار تجسمی می‌شود و این همان هدف وارهول از تاسیس این مرکز است.

خاطرات راجر ایبرت فیلم می‌شود

«زندگی خودش» نام پروژه‌ای است که قرار است براساس زندگی و خاطرات منتقد مشهور آمریکایی، «راجر ایبرت» ساخته شود. این فیلم در قالب مستند ساخته می‌شود. کارگردانی این پروژه بر عهده «استیو جیمز» است. مارتین اسکورسیزی نیز به عنوان تهیه‌کننده این فیلم فعالیت خواهد کرد.

اصفهانی خواننده تیزر شد

آنونس فیلم سینمایی «بوسیدن روی ماه» به کارگردانی همایون اسعدیان و به تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی با ترانه‌ای درباره مادران ایرانی ساخته شد. این ترانه با صدای محمد اصفهانی و نگار جواهریان، سروده عبدالجبار کاکایی است و موسیقی آن را آربا عظیمی‌نژاد ساخته است. این همکاری مشترک هنرمندان ایرانی عاشقانه‌ای برای مادران ایرانی است.

«صادق تبریزی» در آستانه نمایشگاهش در لندن خبر داد
تلاش برای استرداد ۳۰۰ شاهکار مدرن به هنرمندان ایران

شرق: خبر خوش برپایی نمایشگاهی از آثار «صادق تبریزی» در لندن، با یک خبر خوش دیگر هم همراه بود: تلاش‌های حقوقی برای استرداد آثار ضبط شده توسط یک مجموعه‌دار مقیم آمریکا به هنرمندان ایرانی. روز گذشته صادق تبریزی از پیشکسوتان نقاشیخط در ایران به همراه نصرالله افجه‌ای و عبدالمجید حسینی‌راد به میان خبرنگاران آمد تا در کنار ارایه توضیحاتی درباره نمایشگاه آتی خود در گالری هشت لندن، گریزی هم به آخرین وضعیت پرونده بزرگ حقوقی هنرمندان ایران بزند. این هنرمند، در ابتدا در مورد برپایی نمایشگاه خود در لندن بعد از ۲۰ سال گفت: «در این نمایشگاه ۴۰ اثر تازه خود را به نمایش می‌گذارم. این نمایشگاه به دعوت گالری «ایت» لندن و به مناسبت برگزاری هفته جهان اسلام دهم مهر در لندن گشایش می‌یابد و به مدت دو هفته برپا خواهد بود.» تبریزی در ادامه در توضیح آخرین وضعیت پرونده موسوم به «اریک آذری» افزود: «یکی از بحث‌های مهمی که قرار است در اینجا مطرح کنیم پرونده اریک آذری است که مدتی پیش ارایه بدون اجازه آنها از سوی یکی از مدیران کریستیز باعث اخراج وی از این مجموعه شد.» این پیشکسوت نقاشیخط گفت: «اریک آذری حدود ۵۰ سال پیش به عنوان یک گالری‌دار مقیم آمریکا خود را به ما معرفی کرد. این شخص از زنده‌رودی، پیلارام، سهراب سپهری، ناصر اویسی، عربشاهی، تناولی و بنده ۸۰ تا ۱۲۰ اثر گرفت تا در کشور آمریکا عرضه کند و به فروش برساند. اما بعد از اینکه آثار را گرفت، دیگر خبری از او نشد تا سال گذشته با ارایه تعدادی از این آثار در حراج کریستیز توسط پسر آذری، باعث اعتراض هنرمندان ذی‌نفع و نهایتا اخراج «ویلیام لاوری» یکی از مدیران کریستیز شد.» وی درباره نحوه پیگیری این ماجرا گفت: «تا به حال دیدارهایی با اریک آذری داشته‌ایم که مربوط به سال‌های گذشته است، اما هر بار او از عرضه و فروش آثار سخن گفته و با چرب‌زبانی ما را از سرش وا کرده است. بعد از ماجرای کریستیز ما و هنرمندان دیگر با جدیت بیشتری این ماجرا را پیگیری می‌کنیم. در حال حاضر با همت پرویز تناولی قرار است آثاری را که در اختیار کریستیز است و سال گذشته ضبط شده پس‌بگیریم.» تبریزی در بخش دیگری از این نشست درباره اولین کار خود در حوزه نقاشیخط که روی کاشی ارایه شده و با آن خود را به عنوان مبدع نقاشیخط معرفی کرده است، توضیح داد: «زمانی که این کار را خلق کردم فکر نمی‌کردم کسی درباره آن نظری بدهد و دنباله آن به نقاشیخط تبدیل شود. در حالی که آن سال‌ها من بیشتر به نگارگری مشغول بودم. وقتی دیپلم گرفتم در کارگاه سرامیک اداره هنرهای زیبا استخدام شدم و با تماشای خطوط ثلث زیبا تصمیم گرفتم آنها را روی کاشی‌ها نگارگری کنم. من در این آثار سعی کردم از زیبایی حروف و کلمات و ساختمان آن به جای موتیف در نقاشی استفاده کنم که نتیجه کار برایم جالب بود و بعدها روی ظرف‌های سفالی نیز ادامه دادم.» در بخش دیگری از این نشست نصرالله افجه‌ای در مورد نقاشیخط گفت: «این هنر به طور سیل‌آسا در این چندساله اخیر ظاهر شد و گویی ما خودمان هم زیر سوال رفته‌ایم زیرا در نمایشگاه‌های متعددی که می‌بینیم از همه کپی‌کاری شده است. اما در عین حال هیچ چیز مشخصی وجود ندارد و انگار یک شیر بی‌یال و دم و اشکم است. البته من و امثال من راهمان را ادامه می‌دهیم.» عبدالمجید حسینی‌راد، سخنران دیگر این نشست به خط‌نگاره صادق تبریزی روی کاشی اشاره کرد که مربوط به سال ۱۳۳۸ است و گفت: «این اثر یک سند معتبر تاریخی است و اگر هنرمندانی هستند که پیش از این اثر کاری در حوزه نقاشیخط ارایه کرده‌اند، باید آن را نشان دهند و با استناد نسبت به این تاریخ سخن‌بگویند.»

گزارش تصویری

«دیوار چهارم» تازه‌ترین نمایش «امیررضا کوهستانی» با بازی نگار جواهریان و رامبد جوان از روز جمعه ۱۷ شهریورماه در گالری «اکو» به صحنه رفت. این اجرا که ویژه خبرنگاران و عکاسان بود، از امروز به صورت عمومی به صحنه می‌رود. این نمایش برداشت آزادی از نمایش «انگلستان» اثر تیم کروچ است. بلیت‌های این نمایش فقط از طریق اینترنت به فروش می‌رسد. علاقه‌مندان به تماشای «دیوار چهارم» می‌توانند برای خرید بلیت این نمایش به آدرس اینترنتی www.sayehtheater.com/ticket مراجعه کنند. ظرفیت سالن این نمایش فقط ۵۰ نفر است. نمایش دیوار چهارم یک تئاتر محیطی است و در گالری «اکو» اجرا می‌شود. این نمایش هر شب به جز شنبه‌ها ساعت ۱۹:۳۰ روی صحنه می‌رود.

این روزها نمایش آنتیگون به کارگردانی همایون غنی‌زاده در تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر به روی صحنه رفته است و در دو نوبت ۱۹:۳۰ و ۲۱ به صحنه می‌رود. این نمایش که همکاری یک گروه ایرانی در کنار بازیگرانی از کشورهای استونی است، روایت مدرن از نمایش سوفکل با نگاهی مدرن و تجربی است. این نمایش که با بالانویس فارسی اجرا می‌شود، آنتیگون را بافضایی امروزی در صحنه آورده است. آتیلا پسیانی تنها بازیگر ایرانی این نمایش است که تا روز دوشنبه روی صحنه خواهد بود.

فیلم «خزیدن» به کارگردانی «هروی لاسگوته» جایزه سینمای اروپا را از شصت‌ونهمین جشنواره فیلم ونیز از آن خود کرد. منتقدان فیلم «خزیدن» را یک شروع فوق‌العاده برای «لاسگوته» خواندند و داستان قوی و نقش‌آفرینی دو بازیگر اصلی این فیلم را مورد تحسین قرار دادند. پایان داستان این فیلم خوشحال‌کننده نیست، اما حس امید را در شخصیت‌ها و مخاطبان حفظ می‌کند.

چمباتمه

بستن بند کفش روی سکوهای فرهنگی

مرضیه رسولی

■ زیر پل کریمخان آنجا که قوس پل به زمین می‌رسد و فضای پرت و مسقفی به‌وجود می‌آورد و پارکینگ خوبی برای ماشین‌هاست، شهرداری تازگی پنج، شش سکوی کوچک سفیدرنگ بتنی با فاصله کم از هم و به صورت نیم‌دایره گذاشته. سکوها که احتمالا برای نشستن گذاشته شده‌اند، هیچ شباهتی به نیمکت ندارند و بیشتر وقت‌ها خالی‌اند. احتمالا مردم ترجیح می‌دهند برای نشستن کمی پایین‌تر به پارک مریم که سر خیابان ویلاست، بروند یا روی نیمکت‌های پارک ایرانشهر بنشینند. این همان اجرای طرح گذر فرهنگی کریمخان است که قرار بود شهرداری با همکاری کتابفروشان راسته کریمخان اجرا کند؟ قرار بود جلوی هر کتاب‌فروشی نیمکت، چراغ و تابلوی راهنما بگذارند و بیلبوردهای فرهنگی، نقشه فرهنگی منطقه و حتی سردیس نویسندگان شهیر در طول خیابان کریمخان نصب شود. طرح لوکسی به نظر می‌رسید و با بضاعت خیابان کریمخان که خیلی پررفت‌وآمد و پرسروصداست و پیاده‌روهایش هم آن‌قدرها عریض نیست، جور درنمی‌آمد. اما رویایش شیرین بود. در ذهن پاریس قرن بیستم را زنده می‌کرد. پیاده‌روهایی که نویسندگان و آرتیست‌ها با هم قدم می‌زدند و درباره ادبیات و هنر بحث می‌کردند و علاقه‌مندان‌شان را می‌دیدند؛ آدم‌های خوش و خرمی که دغدغه‌ای جز این ندارند. نیمکت‌هایی که به تازگی زیر پل کریمخان گذاشته‌اند شبیه کاریکاتوری از آن طرح است. موقعیت و شکل و شمایل نیمکت‌ها به کار کسانی می‌آید که از فرط راه رفتن زیاد، پادرد و مشکلات فیزیکی و حمل بار دنبال جدولی، سکویی، پله‌ای برای نشستن می‌گردند و شاید اصلا چشم‌شان به این سکوها نخورد چون تقریبا استتار شده اما بیشتر به درد این می‌خورد که هنگام گذر از خیابان اگر دیدی بند کفشت باز شده، پایت را روی یکی از این سکوها بگذاری و بند کفشت را ببندی. هنوز خیلی‌ها با جدیت حرف از منتقل شدن راسته کتاب‌فروشی‌ها از خیابان انقلاب به کریمخان می‌زنند اما به نظر می‌رسد این روند متوقف شده و حالا حیات کتابفروشی‌های این راسته بعد از تعطیلی فروشگاه «نشر نی» دایم در معرض تهدید است. خبری از برگزاری جشنواره تابستانی و زمستانی «گذر فرهنگی تهران» نیست. کسی درباره‌اش حرفی نمی‌زند، دست‌اندرکاران ترجیح می‌دهند فراموش شود و کتابفروشان بدون آن به زندگی کج‌دار و مریز خود ادامه می‌دهند. کتابفروشی «نشر ثالث» جداگانه جشنواره تابستانی برگزار کرده و کتاب‌ها و دیگر کالاهای کتابفروشی را با ۱۰درصد تخفیف می‌فروشد و «نشر آبی» دوباره تصمیم به فروش کتابفروشی‌اش گرفته است. پارسال نشر آبی تصمیم به فروش کتابفروشی گرفته بود اما برگزاری جشنواره «گفته» تا حدی امیدوارش کرد که می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد. در روزهای جشنواره تابستانی ثالث بقیه کتابفروشی‌ها به کار معمول خود ادامه می‌دهند. ۱۰درصد تخفیف باعث ایجاد انگیزه در خریداران می‌شود؟ ۱۰درصد که تاثیر چندانی در کاهش قیمت ندارد. کتاب ۱۰هزارتومانی را می‌خرید ۹هزار تومان. ولی انگار این جشنواره و امکان خرید ۱۰درصد ارزان‌تر مثل فوتی می‌ماند که گرد و خاک نشسته روی کتاب‌های کتابفروشی را برای مدت کوتاهی بلند می‌کند. جشنواره تابستانی ثالث از ۱۵ شهریور شروع شده و تا سی‌ام ادامه دارد. راسته کتابفروشی کریمخان که روزی به نظر می‌رسید رونق را از کتابفروشی‌های انقلاب بگیرد و از آن خود کند، چندان مجال شکوفایی پیدا نکرد و به سرعت پژمرده شد و حالا به سختی نفس می‌کشد. گرانی کاغذ که قیمت کتاب را به شدت بالا می‌برد شاید این نفس‌ها را سخت‌تر کند.

خبر آخر

دزدی ماسک از تئاتر

■ **شرق:** نمایش «نان» به کارگردانی نصیر ملکی‌جو در سالن انتظامی خانه هنرمندان به روی صحنه رفت ولی اجرای پایانی این نمایش با حاشیه در تئاتر همراه بود. دو نفر از بازیگران حاضر به ایفای نقش خود نشده و درنهایت عوامل این اثر مجبور به بازی در نمایش شدند. ملکی‌جو به فارس گفته است: «در این نمایش بازیگران از ماسک‌هایی برای اجرا استفاده می‌کنند که دو بازیگر مرد این نمایش ضمن دزدی این ماسک‌ها، در نمایش بازی نکردند و ما را مجبور به اجرای ناقص این اثر کردند. در اجرای آخر نمایش «نان» آیدین آغداشلو و رضا فیاضی حضور داشتند و به دلیل اینکه در آثارم از هنرهای نمایشی الهام می‌گیرم حضور آقای آغداشلو برایم بسیار حایزاهمیت بود که چنین اتفاقی افتاد.»

کارگردان «نان» با اشاره به مشکلات فراوان گروه‌های تئاتری به ایسنا هم گفت: «می‌پذیرم قرارداد نداریم، مشکلات و محدودیت‌های بسیاری خارج از گروه‌ها داریم. اما اینها مسایل درون‌گروهی و مایه تاسف است.»